

صدای زمانه

جامعه‌شناسی شخصیت زن
در رمان بعد از انقلاب

کارولینا راکوویتسکا عسگری
عسگر عسگری حسنکلو



صدای زمانه

جامعه‌شناسی شخصیت زن در رمان بعد از انقلاب

صدای زمانه

جامعه‌شناسی شخصیت زن
در رمان بعد از انقلاب

کارولینا راکوویتسکا عسگری
دانشیار دانشگاه یاگلونی کراکف
عسگر عسگری حسنگلو
استادیار دانشگاه خوارزمی



نشر اختران

| | |
|---------------------|---|
| سرشناسه | : راکوویتسکا عسگری، کارولینا، ۱۳۵۷ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : صدای زمانه: جامعه‌شناسی شخصیت زن در رمان بعد از انقلاب/ کارولینا راکوویتسکا |
| مشخصات نشر | : تهران: اختران، ۱۳۹۵. |
| مشخصات ظاهری | : ۳۳۶ ص. |
| شابک | : ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۶۹-۵ |
| وضعیت فهرست‌نویسی | : فیپا. |
| یادداشت | : کتابنامه: ص. [۳۳۹] - ۳۳۶: همچنین به صورت زیرنویس. |
| موضوع | : جامعه‌شناسی شخصیت زن در رمان بعد از انقلاب. |
| موضوع | : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد. |
| موضوع | : زنان در ادبیات. |
| موضوع | : شخصیت‌پردازی در ادبیات. |
| شناسه افزوده | : عسگری حسنگلو، عسگر، ۱۳۵۴ - |
| رده‌بندی کنگره | : ۱۳۹۴ ص ۴ ر / ۳ PIR ۳۸۶۹ |
| رده‌بندی دیویی | : ۸ قا ۳ / ۶۲۰۹ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۰۹۰۹۳۵ |



نشر اختران

صدای زمانه

جامعه‌شناسی شخصیت زن در رمان بعد از انقلاب

نویسندگان: کارولینا راکوویتسکا - عسگر عسگری حسنگلو

طرح جلد: بتی بریان

چاپ اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی فرشویه

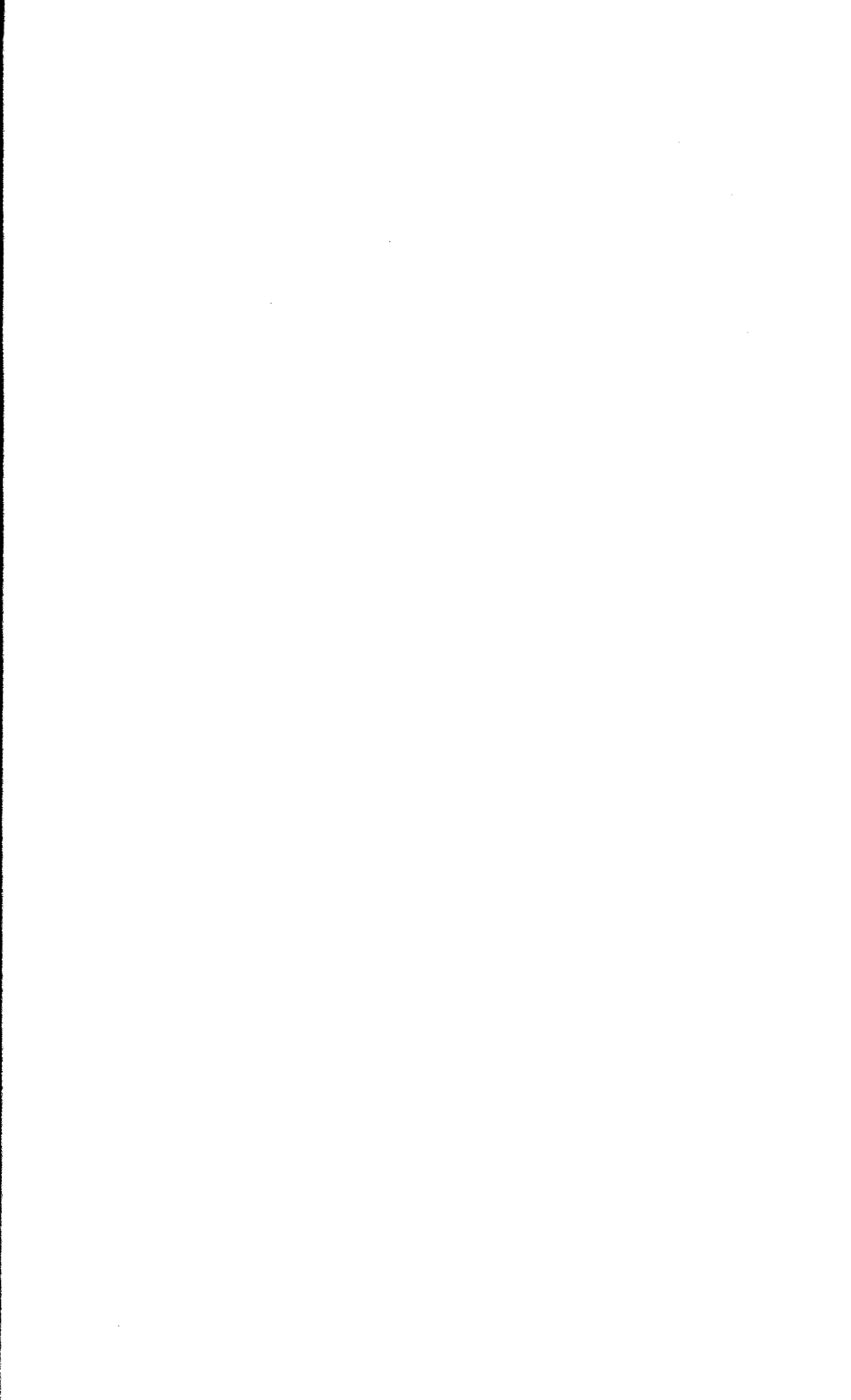
کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، ط ۱، تلفن: ۰۶۶۴۱۰۳۲۵ و ۰۹۰ AkhtarAn فروشگاه: ۰۶۶۴۱۱۴۲۹
www.instagram.com/akhtarAnpub - www.akhtarAnbook.ir - info@akhtarAnbook.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۶۹-۵

همه‌ی حقوق برای نشر اختران محفوظ است

بها: ۲۶۰۰۰ تومان

با سپاس از دکتر مسعود جعفری



فهرست مطالب

| | |
|----------|--|
| ۹..... | اشاره..... |
| | فصل یکم: رمان و جامعه‌شناسی رمان |
| ۱۵..... | رمان؛ کلیات و تعاریف..... |
| ۲۱..... | بررسی جامعه‌شناختی رمان؛ معرفی نظریه‌ها..... |
| ۴۱..... | مسائل فرد و جامعه در رمان..... |
| ۴۱..... | الف. جایگاه برجسته فردیت در رمان (نظریه گنورگ لوکاچ)..... |
| ۴۳..... | ب. شخصیت به‌عنوان نماینده طبقه اجتماعی..... |
| ۴۵..... | ج. به وجود آمدن جامعه تو در تو در رمان..... |
| ۴۶..... | د. چندصدایی؛ واقعیت چندجانبه رمان..... |
| | فصل دوم: شخصیت‌پردازی در رمان |
| ۵۳..... | مسائل شخصیت‌پردازی در رمان..... |
| ۵۴..... | الف. برخورد سنتی با شخصیت..... |
| ۵۷..... | ب. جستاری در نظریه‌های جدید شخصیت..... |
| ۶۰..... | ج. روش‌های شخصیت‌پردازی..... |
| ۶۵..... | د. چگونگی تعامل شخصیت و جامعه در رمان..... |
| ۶۸..... | ه. هویت روایتی..... |
| | فصل سوم: رمان فارسی |
| ۷۳..... | رمان فارسی و تحولات سریع آن در سال‌های بعد از انقلاب..... |
| ۸۱..... | سیر گسترش شخصیت‌های فردیت‌یافته در رمان بعد از انقلاب..... |
| | فصل چهارم: سیر هویت زن در رمان فارسی |
| ۸۹..... | سیر هویت زن در رمان فارسی..... |
| | فصل پنجم: بررسی رمان‌های برگزیده |
| ۹۹..... | ۱. عوامل سنتی شخصیت‌پردازی زن در رمان‌های برگزیده..... |
| ۱۰۱..... | جای خالی سلوچ..... |
| ۱۱۵..... | طوبیا و معنای شب..... |
| ۱۲۹..... | دل فولاد..... |
| ۱۴۰..... | جزیره سرگردانی..... |

| | |
|-----|--|
| ۱۵۴ | نیمه غایب..... |
| ۱۶۵ | ساربان سرگردان..... |
| ۱۷۹ | چراغها را من خاموش میکنم..... |
| ۱۹۰ | پرنده من..... |
| ۲۰۰ | عادت میکنیم..... |
| ۲۱۲ | سرخمی تواز من..... |
| ۲۲۳ | ۲. عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی زن در رمان‌های برگزیده..... |
| ۲۲۴ | الف. تحولات اجتماعی؛ گذرگاه سنت و مدرنیته..... |
| ۲۳۵ | ب. وقایع اجتماعی-تاریخی..... |
| ۲۴۵ | ج. نقش‌پذیری شخصیت در جامعه..... |
| ۲۶۷ | د. برخورد شخصیت با افراد گوناگون..... |
| ۲۷۲ | ه. عوامل بازدارنده زن در جامعه..... |
| ۲۷۸ | و. تقابل شخصیت درونی و شخصیت اجتماعی؛ حفظ هویت روایتی..... |
| ۲۸۹ | فصل ششم: رابطه شخصیت و جامعه در رمان..... |
| ۲۹۹ | فصل هفتم: چندصدایی رمان بعد از انقلاب..... |
| ۳۱۱ | فصل هشتم: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی..... |
| ۳۱۳ | نتیجه‌گیری..... |
| ۳۱۸ | سخن پایانی..... |
| ۳۲۹ | فهرست منابع..... |

اشاره

نگارش رمان فارسی خیلی دیرتر از رمان اروپایی آغاز شده و تا اکنون نیز در حال شکل‌گیری و تکامل فنی است. رمان فارسی از آغاز در پیوند با مشکلات اجتماعی رشد کرده است و نویسندگان سعی کرده‌اند زندگی طبقات فرودست جامعه و بی‌عدالتی‌های اجتماعی را در آثارشان به تصویر بکشند؛ به همین دلیل بیشتر نویسندگان ایرانی، غالباً از فرم داستان ساده شده رئالیستی استفاده کرده‌اند و بیشتر به موضوع رمان توجه داشته‌اند تا به شکل هنری آن. در مواردی نیز از رمان برای تبلیغ سیاسی-اجتماعی استفاده شده است و رمان‌نویسان در آثارشان به دنبال معرفی ایدئولوژی خاصی بوده‌اند. این عوامل همراه با ساختار سنتی جامعه باعث شده است تا جزئیات فنی رمان کمتر مورد توجه قرار گیرد. به مرور زمان، به‌ویژه در دوران اخیر، رابطه رمان با جامعه به تدریج پیچیده‌تر می‌شود و از انعکاس مستقیم تصویر جامعه در رمان فراتر می‌رود. به تدریج با پیچیده شدن ساختار جامعه، ساختار رمان نیز پیچیده می‌شود. این دگرگونی توجه به شخصیت‌پردازی را نیز به همراه دارد. شخصیت که در اولین رمان‌های فارسی در حد تیپ و نماینده طبقه اجتماعی یا خانواده بوده است اکنون در ساختار رمان در اولویت قرار می‌گیرد و به فردیت دست می‌یابد. این گرایش را در رمان قبل از انقلاب هم مشاهده می‌کنیم اما بیشتر در مورد شخصیت‌های مرد. دگرگونی ساختار اجتماعی در سال‌های پس از انقلاب، در رمان این دوره تأثیر آشکاری می‌گذارد و از جمله برای اولین بار در تاریخ رمان فارسی، شخصیت زن به درجه‌اعلایی از فردیت دست می‌یابد. در این دوران فعالیت اجتماعی زن که ناشی از مدرن‌شدن جامعه است در رمان نیز

منعکس می‌شود. شخصیت‌های زن مورد توجه نویسندگان قرار می‌گیرند و شخصیتشان با دقت ترسیم می‌شود. در این تحول نه تنها به‌کارگیری روش‌های گوناگون شخصیت‌پردازی مؤثر است بلکه معرفی شخصیت در برخورد با وقایع تاریخی و اجتماعی و فعالیت او در گروه‌های مختلف جامعه — یعنی توجه به عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی — از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود.

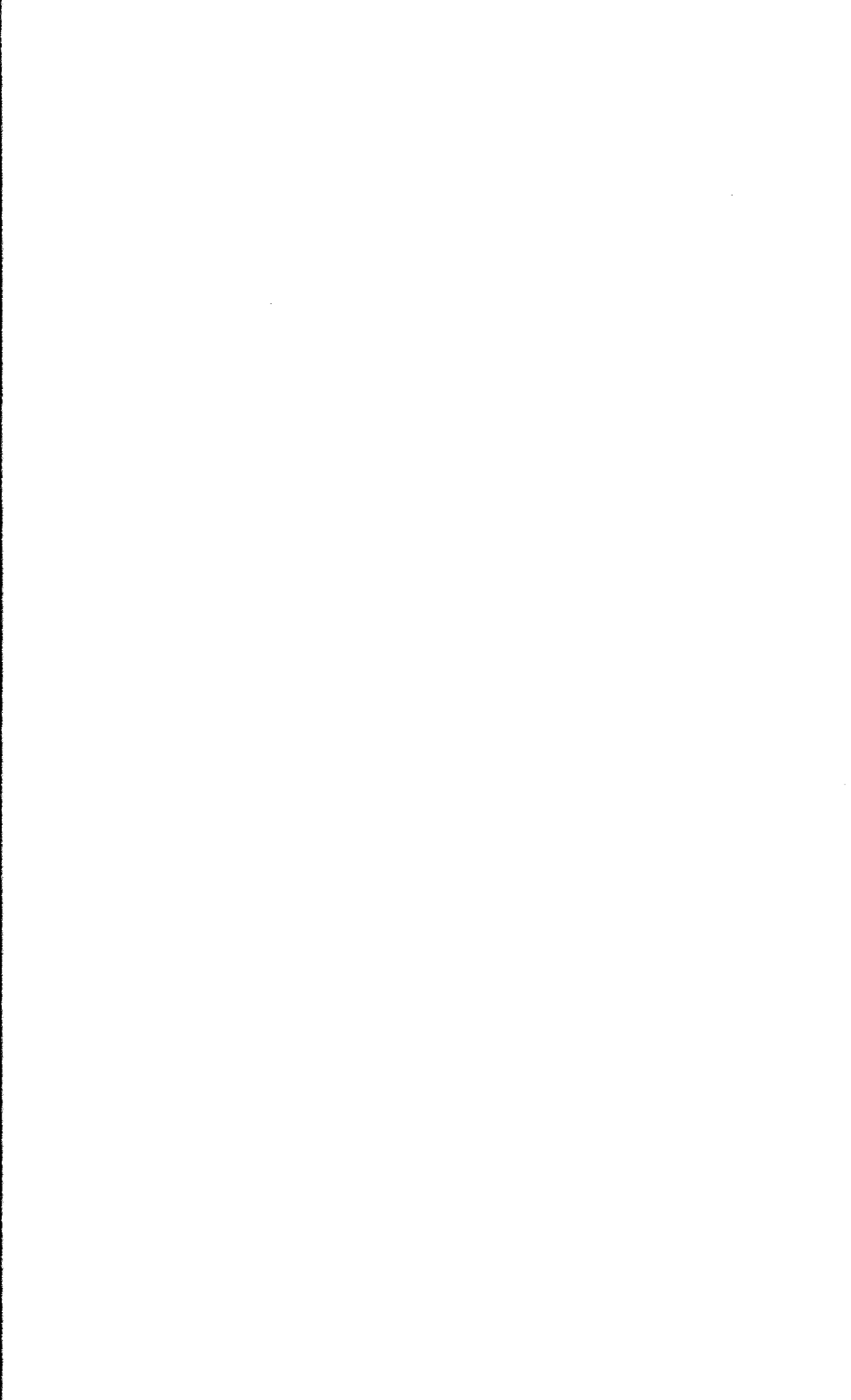
در این کتاب بر آنیم تا نقش عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی در رمان بعد از انقلاب را در شکل‌گیری رمان مدرن چندصدایی بررسی کنیم. بررسی جامعه‌شناسانه شخصیت‌پردازی تا به حال پیشینه‌ای نداشته است؛ به همین دلیل لازم دانستیم در فصل اول ضمن مروری بر تعاریف رمان، نظریه‌های جامعه‌شناختی در باب رمان را معرفی و تحلیل کنیم و به بررسی مسائل فرد و جامعه در رمان بپردازیم. در فصل دوم مسائل مربوط به شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان را مطرح کردیم و نظریه‌های سنتی و جدید را در برخورد با مقوله مهم شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان تشریح کردیم. در فصل سوم رمان فارسی و تحولات سریع آن در سال‌های بعد از انقلاب و همچنین سیر گسترش شخصیت‌های فردیت‌یافته در رمان بعد از انقلاب را بررسی کردیم. در فصل چهارم سیر هویت زن در رمان فارسی، از دوره آغازین آن تا دوره اخیر بررسی شده است. فصل پنجم به بررسی رمان‌های برگزیده اختصاص دارد. برای بررسی عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی در رمان بعد از انقلاب، ده رمان انتخاب شده است. جای خالی سلوچ از محمود دولت‌آبادی، طوبا و معنای شب اثر شهرنوش پارسی‌پور، دل فولاد نوشته منیر و روانی‌پور؛ جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان از سیمین دانشور؛ نیمه غایب نوشته حسین سنابور؛ چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم و عادت می‌کنیم از زویا پیرزاد؛ پرندۀ من اثر فریبا وفی؛ سرخی تو از من نوشته سپیده شاملو. همه این رمان‌ها از آثار شناخته شده بعد از انقلاب هستند اما معیار انتخابشان برای بررسی در این کتاب نه تنها ارزش هنری

بلکه توجه به ظرایف شخصیت‌پردازی و عوامل جامعه‌شناختی شخصیت زن در آنها نیز بوده است. در این فصل ابتدا به معرفی این رمان‌ها و عوامل سنتی شخصیت‌پردازی با تأکید بر شخصیت زن پرداختیم و سپس عوامل جامعه‌شناختی شخصیت‌پردازی را در این رمان‌ها بررسی کردیم. فصل ششم شامل بررسی رابطه پیچیده شخصیت و جامعه در رمان‌های منتخب است. در فصل هفتم با توجه به دستاوردهای فصول پیشین به بررسی و ارزیابی میزان موفقیت نویسندگان در خلق ساختار چندصدایی در رمان بعد از انقلاب پرداخته‌ایم. فصل هشتم نیز به نتیجه‌گیری نهایی اختصاص دارد.

کارولینا راکوویتسکا عسگری

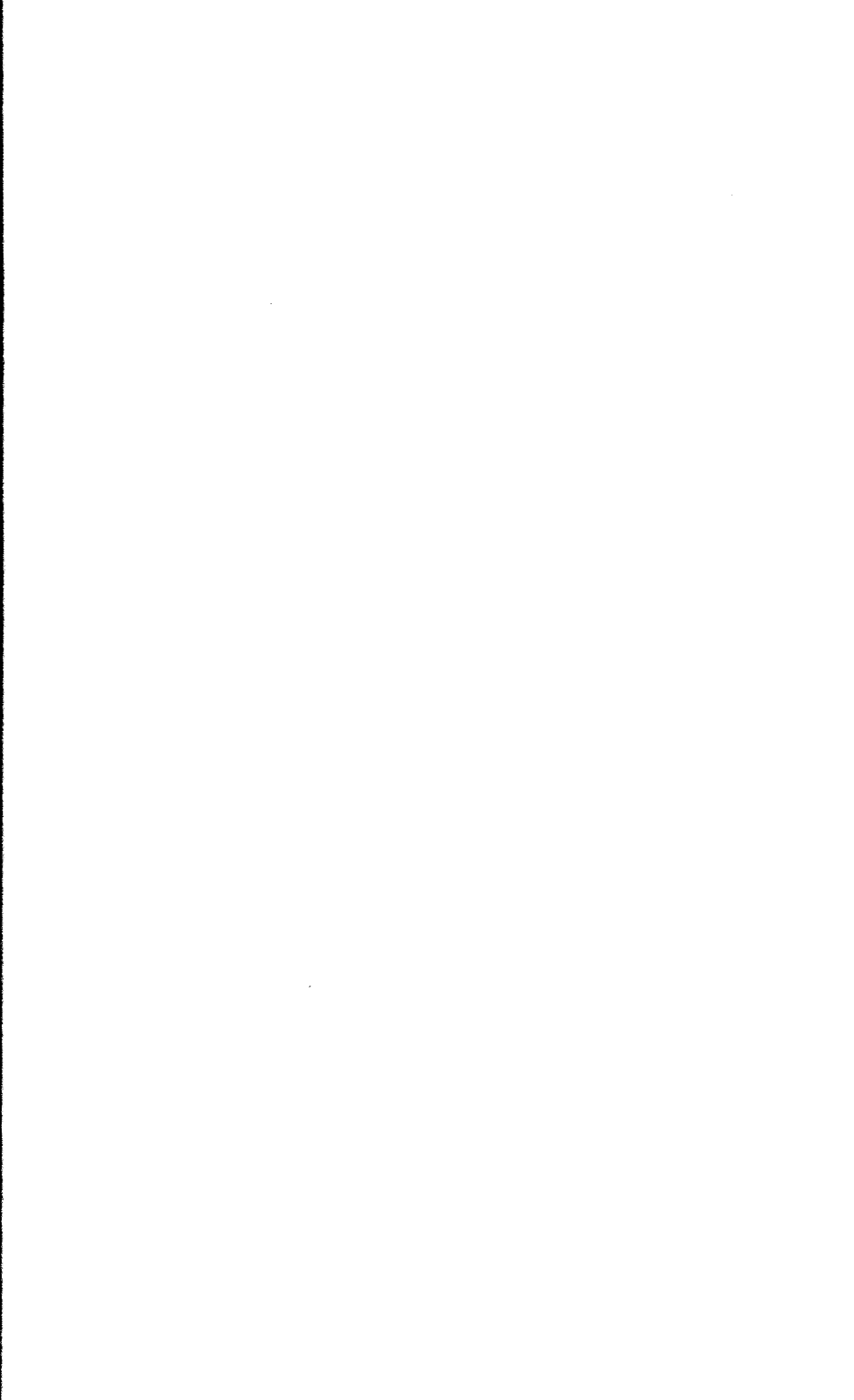
عسگر عسگری حسنکلو

تابستان ۱۳۹۴



فصل یکم

رمان و جامعه‌شناسی رمان



رمان؛ کلیات و تعاریف

رمان به منزله نوع ادبی مهم عصر ما بارها از جنبه‌های گوناگون تعریف شده است و منتقدان بسیاری به بررسی آن پرداخته‌اند. در اینجا برخی از مهم‌ترین نظریه‌ها را در باب رمان مرور می‌کنیم و به روش‌های گوناگون رایج در تعریف رمان می‌پردازیم تا اهمیت مباحث نظری در عرصه تحقیقات مربوط به رمان را نشان دهیم. این نوع ادبی که پیشینه چندان طولانی‌ای ندارد یکی از مهم‌ترین موضوعات مباحث ادبی در دو قرن اخیر بوده است. گئورگ لوکاج، نظریه‌پرداز سرشناس رمان، به پیروی از هگل رمان را از لحاظ اهمیت در جهان‌بینی معاصر «حماسه عصر بورژوازی» خوانده است. لوکاج معتقد است که رمان به مانند حماسه گویای وضعیت و نیازهای زمانه است. «حماسه به تمامیت زندگی‌ای شکل می‌دهد که فی‌نفسه کامل شده است؛ رمان با شکل دادن در جستجوی کشف و ساختن تمامیت پنهان زندگی است.»^۱ وابستگی رمان به ارزش‌های جدید یکی از ویژگی‌های مهم آن است. میلان کوندرا درباره دون کیشوت — اولین رمان مهم غرب — می‌گوید: «زمانی که نظام قدیم ارزش‌ها که خیر و شر را از یکدیگر جدا می‌ساخت و به هر چیز معنای خاص خودش را می‌داد، به آرامی از صحنه بیرون می‌رفت، دون کیشوت از خانه‌اش به درآمد.»^۲

تولد رمان با دگرگونی ارزش‌های حاکم بر جامعه مرتبط است و ساختار رمان به نوعی ساختار جامعه‌ای را نشان می‌دهد که در آن به

۱. جورج لوکاج، *نظریه رمان*، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران، نشر قصه، ۱۳۸۰، ص ۵۱.

۲. میلان کوندرا، *هنر رمان*، ترجمه پرویز همایون‌پور، چاپ سوم، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۲، ص ۴۳-۴۴.

وجود آمده است؛ جامعه‌ای که از دوران رنسانس به تدریج از ارزش‌های سنتی فاصله می‌گیرد و به جستجوی ارزش‌های نوین و فردگرایانه برمی‌آید. فرد که در جامعه سنتی در نظام اجتماعی جایگاه معینی داشت، همراه با دگرگونی جامعه به تدریج از این نظام آزاد می‌شود و در عرصه اجتماعی راه خود را در پیش می‌گیرد، بی‌آنکه به ساختار طبقاتی جامعه توجه و دل‌بستگی داشته باشد.^۱ همان‌گونه که ایان وات اشاره کرده است، برای به وجود آمدن و پذیرش قهرمان جدید تصویر شده در رمان گویی کل جامعه نیز آمادگی لازم برای پذیرش این قهرمان جدید را در خود احساس می‌کرد. این پدیده نشان‌دهنده این واقعیت است که جامعه به هرحال به درجه‌ای از فردگرایی دست یافته بوده است.^۲ جامعه جدید این آمادگی را در نتیجه تحولات اقتصادی و فرهنگی به دست آورد؛ تحولاتی چون گسترش سواد، نشر روزنامه‌ها و مجلات، افزایش اوقات فراغت، وارد شدن زنان طبقه متوسط و بالا به گروه خوانندگان و غیره.^۳

از قرن هجدهم شاهد رشد بی‌نظیر رمان هستیم. از آن پس به‌مرور زمان، رمان مطرح‌ترین نوع ادبی عصر جدید شده است. به گفته یکی از بزرگ‌ترین منتقدان رمان، میخائیل باختین، «رمان قهرمان اصلی درام رشد و پویای ادبی در عصر ما شده است. درست به همین دلیل است که بهتر از انواع ادبی دیگر گرایش‌های دنیای جدید و در حال شکل‌گیری را انعکاس می‌دهد؛ رمان تنها نوع ادبی است که در همین دنیای جدید و در پیوستگی کامل با آن متولد شده است. در موارد بسیاری رمان رشد آتی کل ادبیات را پیش‌بینی کرده و در آن پیش‌قدم شده است و هنوز هم این کار را می‌کند.»^۴ اهمیت رمان به اندازه‌ای است که امروزه با نوعی

۱. میشل بوتور، *جستارهایی در باب رمان*، ترجمه سعید شهرتاش، چاپ اول، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۱۸-۱۳۹.

۲. ایان وات، *پیدایی قصه*، ترجمه ناهید سرمد، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱. ۳. همان، ۵۵-۱۰۰.

4. Mikhail Bakhtin, "Toward a methodology for the study of the novel", in: Dennis Walder (ed.), *The realist novel*, 1st. edition, New York, Routledge and Open University, 1995, p.264.

رمان‌وارسازی در دیگر انواع ادبی مواجه هستیم. نفوذ رمان در آزادسازی انواع ادبی قدیم و نوسازی زبانشان، وارد شدن طنز در آثار گوناگون و گفتگویی شدن متن و بیش از همه نزدیک شدن ادبیات به واقعیت زنده امروزین از جمله تغییراتی است که تحت تأثیر رمان‌وارسازی به وجود آمده‌اند.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، رمان از لحظه تولدش وابسته به بحران ارزش‌ها بوده و در عین حال گویای حال قهرمان تنها در مقابل دنیا نیز بوده است؛ دنیایی که نسبت به دنیای حماسه پیچیده‌تر است. این پیچیدگی در فرم رمان نیز انعکاس پیدا کرده و باعث شده است که تعریف آن دشوار باشد. به گفته مالکولم برادبری «از همه انواع ادبی — شعر، درام و رمان — تعریف کردن رمان دشوارتر و بحث انتقادی پرربار درباره آن نیز مشکل‌تر است.»^۱ آنچه باعث دشواری تعریف رمان و بحث انتقادی در زمینه آن شده، یکی تنوع بی‌نظیر این نوع ادبی و دیگری در حال تکامل بودن آن است. باختین خواندن رمان را در مقابل خواندن انواع ادبی دیگر به خواندن زبانی زنده در مقابل خواندن زبانی مرده تشبیه کرده است؛^۲ به این دلیل که هنوز در رمان، قوانین معینی شکل نگرفته است و منتقد در مقابل رمان‌های خاصی قرار می‌گیرد که تفاوت-هایشان بیشتر از وجوه اشتراکشان است. این گرایش در سال‌های اخیر با به وجود آمدن انواع مختلف رمان شدیدتر شده است. شاید به همین دلیل است که منتقدان جدید با احتیاط بیشتری به تعریف رمان می‌پردازند. در تعاریف قدیمی رمان، این نوع ادبی مترادف داستان است. ادوارد مورگان فورستر در کتاب *جنبه‌های رمان* ابتدا رمان را مترادف داستان می‌خواند و سپس داستان را این‌گونه تعریف می‌کند: «داستان نقل و قیام است به ترتیب توالی زمان.»^۳ بعد از فورستر منتقدان با احتیاط بیشتری

1. Malcolm Bradbury, *What is a novel?* 2nd ed., London, Edward Arnold, 1973, p.15.

2. Mikhail Bakhtin, op. cit., p.262.

۳. ادوارد مورگان فورستر، *جنبه‌های رمان*، ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ چهارم، تهران، نگاه، ۱۳۶۹، ص ۳۳.

به تعریف رمان پرداخته‌اند. از جمله کاترین لور نقطه مشترک رمان‌های متفاوت را تخیلی بودنشان دانسته است. «رمان نوعی نثر داستانی مکتوب است، دارای اندازه قابل ملاحظه که خواننده را درگیر دنیای واقعی - تخیلی‌ای می‌کند که چون آفریده نویسنده است جدید و بدیع به نظر می‌رسد.»^۱ این تعریف از طرفی قانع‌کننده نیست و منحصر به فرد بودن رمان را نشان نمی‌دهد، از طرف دیگر تعریفی قاطع به نظر می‌رسد. تعاریفی که در سال‌های اخیر از رمان شده است عمدتاً با احتیاط برای هر قاعده‌مربوط به این نوع ادبی استثنایی قائل می‌شوند و از تقسیم‌بندی‌های قطعی پرهیز می‌کنند. «رمان تقریباً همیشه نثر طولانی، تخیلی و روایتی است؛ با وجود این بعضی از رمان‌ها خیلی کوتاه‌اند، بعضی از آنها منظومند و برخی دیگر حتی داستانی را تعریف نمی‌کنند.»^۲ شیوه دیگر تعریف رمان مبنی بر مقایسه آن با انواع ادبی دیگر مانند داستان کوتاه است.^۳

با توجه به کوشش‌های مذکور برای تعریف رمان به نظر می‌رسد که رمان هنوز به شکل نهایی خود نرسیده است که بررسی آن بتواند به تعریفی دقیق منجر شود. شاید هم رمان ذاتاً تعریف ناپذیر باشد. باختین سه وجه تمایز برای رمان قائل شده است. بحث تعریف رمان را با سخن او به پایان می‌بریم. «به نظر من سه ویژگی عمده رمان را به گونه‌ای بنیادین از انواع ادبی دیگر متمایز می‌کند: (۱) چند بُعدی بودن رمان از لحاظ سبک بیان که به چندصدایی رمان برمی‌گردد؛ (۲) تغییر بنیادی‌ای که رمان در مختصات زمانی متن خویش ایجاد می‌کند؛ (۳) شگرد جدیدی که رمان برای روایت خلق کرده است، امکان برخورد با زمانه معاصر را با همه وسعت نامحدود آن فراهم می‌آورد.»^۴ این تعریف کوتاه بهتر از

1. Katherine Lever, *The novel and the reader*, 1st ed., London, Methuen and Co. Ltd., 1961, p.16.

2. Chris Baldick, *The Concise Oxford Dictionary of Literary Terms*, 3rd ed., Oxford, Oxford University Press, 2004, p.173.

3. M.H. Abrams, *A Glossary of Literary Terms*, 7th ed., Boston, Heinle&Heinle, 1999, p.190.

4. Mikhail Bakhtin, op. cit., p.267.

تعاریف کلاسیک رمان نشان‌دهنده ارتباط مستقیمی است که در رمان میان فرم و درونمایه وجود دارد. این شکل باز رمان است که با عصر جدید مرتبط است و نه محتوای آن — آن‌گونه که از تعریف رمان به‌عنوان «داستان» به نظر می‌رسد؛ زیرا محتوای رمان ممکن است با محتوای داستان کوتاه یا حتی حماسه چندان متفاوت نباشد.

کار اصلی رمان‌نویس گزینش است. یک رمان خوب ادعایی جز کشف حقیقت جهان و انسان و رابطه این دو با هم ندارد. البته «گفتن حقیقت همیشه وظیفه نویسنده است، اما هیچ‌وقت گفتن کل حقیقت وظیفه او نیست. وظیفه او انتخاب حقیقتی است که ارزش گفتن را دارد.»^۱ بنابراین بین فرم رمان و آنچه رمان‌نویس قصد بیان آن را دارد هماهنگی وجود دارد؛ هرچند منتقدان قدیم کمتر به آن توجه کرده‌اند. آنها به ظاهر داستانی رمان توجه کرده‌اند و آن را به‌عنوان حکایت تمام‌شده‌ای بررسی کرده‌اند، در حالی که یکی از ویژگی‌های مهم رمان باز بودن متن آن است که از خواننده دقت و همکاری خلاقانه می‌طلبد. منتقدان جدید کمتر معنی رمان را در شکل مکتوب و نظریات رمان‌نویس جستجو می‌کنند و بیشتر به نقش مخاطب در به وجود آمدن معنی نظر دارند. برای مثال پل ریکور می‌گوید: «من بر این عقیده‌ام که روند ترتیب دادن یا ساختن حکایت در متن تمام نشده است بلکه خواننده آن را تکمیل می‌کند و به همین دلیل حکایت رمان باعث می‌شود که زندگی بازسازی شود و شکل جدیدی به خود بگیرد. به عبارت دیگر، معنی یا برجستگی حکایت در برخورد دنیای متن و دنیای خواننده به وجود می‌آید.»^۲ پرسه لایوک نیز خواننده را رمان‌نویس دیگری خواننده و به نقش او در تکمیل رمان اشاره کرده است.^۳

1. Robert Liddel, *Some principles of fiction*, 3rd ed., London, Jonathan Cape, 1961, p.117.

2. Paul Ricoeur, *Zycie w poszukiwaniu opowiesci*, trans. Jacek Fitek, *Logos i Ethos* 2/1993, p.230.

3. Percy Lubbock, *The craft of fiction*, 17th ed., London, Jonathan Cape, 1963, p.17.

به این دلیل این نظریات را مرور کردیم تا نشان دهیم برخلاف نظر فورستر، نمی‌توان رمان را با داستان مترادف دانست. می‌توان گفت دایره معنایی این اصطلاحات از زمان فورستر تغییر پیدا کرده است و امروز اگر بخواهیم رمان را زیر مجموعه نوعی حکایت بدانیم اسم آن را نه داستان بلکه روایت می‌گذاریم، با این تفاوت که داستان معنای محدودتری نسبت به روایت دارد. روایت نظامی است که نه تنها در ادبیات بلکه در زندگی انسان میان حوادث برقرار می‌شود و پیوند منطقی به آن می‌بخشد.^۱ در تعریف رمان سخن گفتن از روایت درست‌تر به نظر می‌رسد، به این دلیل که روایت برخلاف داستان نه تنها رویدادها بلکه کل تفسیر واقعیت — چه واقعیت بیرونی و چه درونی — را دربرمی‌گیرد. به گفته وولفگانگ ایزر دلیل جذابیت ادبیات در عصر ما این است که کشف کرده‌ایم کل اعمال ما با تفسیر مرتبط هستند و «زندگی ما در اصل به جز تفسیر نیست.»^۲ ایزر معتقد است که رویکردهای ادبیات با گذشت زمان تغییر پیدا می‌کنند، به گونه‌ای که در هر عصری ادبیات پاسخگوی دردهای زمانه است.^۳ منتقدان گرایش مشابهی را نیز در رمان تشخیص داده‌اند؛ به این صورت که به گفته آرتور هانیول، رمان واقع‌گرا پاسخگوی اوضاع کاملاً متفاوتی است و رمان مدرن یا پسامدرن به اوضاع جدید و مسائل نوینی پاسخ می‌دهد و این حقیقت در ساخت رمان کاملاً ملموس است.^۴ در زمان‌های مختلف نیز رمان تحت تأثیر انواع ادبی و هنرهای دیگر قرار گرفته است و این البته در تنوع شکل‌های آن انعکاس پیدا کرده است، به گونه‌ای که به گفته رولان بورنوف «در طبقه‌بندی رمان به اندازه مورخ رمان انواع رمان داریم.»^۵

1. Katarzyna Rosner, "Narracja jako struktura rozumienia", *Teksty Drugie* 99/21, p.16-40.

2. Wolfgang Iser, "Zmienne funkcje Literatury", in: *Logos i Ethos* 1/2000, p.362.

3. *Ibid.*, p.345-368.

۴. آرتور هانیول، «طرح در رمان مدرن»، ترجمه حسین پاینده، در: *مدرنیسم و پسامدرنیسم در رمان*، چاپ اول، تهران، نشر روزنگار، ۱۳۸۳، ص ۱۱-۳۲.

۵. رولان بورنوف و رثال اوئله، *جهان رمان*، ترجمه نازیلا خلخالی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸، ص ۳۰.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تعاریف رمان هنوز به نظریه واحدی منجر نشده است و شاید این نیز از ویژگی‌های رمان باشد. بحث مهمی که همیشه در کنار مباحث رمان مطرح بوده است، بحث رابطه دنیای متن با واقعیت اجتماعی است که برخی آن دو را مطابق با هم دانسته‌اند و برخی نیز بر آزادی هنر رمان و بر استقلال آن از تأثیر واقعیت اجتماعی تأکید کرده‌اند. اکثر محققان معتقدند که نوعی رابطه بین جهان داستان و واقعیت خارج از متن وجود دارد اما این رابطه در نظریه‌های مختلف به شکل‌های گوناگونی بیان شده است. در بخش بعدی به این نظریه‌ها خواهیم پرداخت.

بررسی جامعه‌شناختی رمان؛ معرفی نظریه‌ها

به نظر می‌رسد بحث رابطه رمان با واقعیت از زمان تولد این نوع ادبی کنار آن جریان داشته است. در این بحث آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است آینده و یا نماینده جامعه بودن رمان و شکل‌های مختلف این مسئله است. می‌توان به جرأت گفت که تقریباً همه نظریه‌پردازان ادبی معاصر به نوعی در این بحث شرکت کرده‌اند و در هر یک از بخش‌های آن از جمله طرز بیان واقعیت در رمان، نقش نویسنده و تئوری دریافت نظر داده‌اند. جامعه‌شناسی ادبیات به‌طور کلی شامل همه این مباحث است. در اینجا هدف ما مطرح کردن تصاویر گوناگونی از تعامل پیچیده رمان و جامعه و نیز معرفی روش‌های مختلف تحلیل این رابطه است. امیدواریم که تأملی در سنت اندیشیدن در مورد ادبیات و به‌ویژه رمان از دیدگاه جامعه‌شناختی، به بررسی عوامل جامعه‌شناختی در شخصیت‌پردازی یاری رساند؛ زیرا در محدوده همین سنت است که رویکرد جامعه‌شناختی به شخصیت‌های رمانی پدید آمده است.

اندیشه جامعه‌شناختی درباره رمان به‌طور طبیعی از شباهت رمان با دنیای بیرون از متن سرچشمه می‌گیرد. محققان به این شباهت از دیدگاه‌های گوناگون توجه کرده‌اند. میشل بوتور معتقد است که

رمان‌نویس رویدادهای روزمره و پیش پا افتاده را به گونه‌ای نشان می‌دهد که در ساختار رمان معنادار باشند و به درک واقعیت کمک کنند. از نظر او جوهر رمان — که آن را «شعر رمانی» می‌نامد — در تفسیر واقعیتی نهفته است که رمان در آن به وجود می‌آید، تفسیری که نه در توضیح رمان‌نویس بلکه در خود ساختار رمان نمایان می‌شود. «شعر رمانی چیزی است که باعث می‌شود واقعیت در تمامیتش به خود وقوف یابد به صورتی که بتواند خود را نقد کند و تغییر دهد. در عین حال، پیش گرفتن این هدف با نوعی فروتنی همراه است چون رمان‌نویس می‌داند که انگیزه‌اش از جهانی دیگر نیست... و خوب می‌داند انگیزه اصلی‌اش همان دنیای متغیری است که خودش جز لحظه‌ای از آن نیست؛ او جزئی است که در جای خوبی قرار گرفته است و توسط او شیء به کلمه تبدیل می‌شود.»^۱ بنابراین رمان‌نویس کسی است که متوجه پدید آمدن ساختارهای جدید در واقعیت پیرامون خودش می‌شود؛ کسی که «متوجه اولین پچ‌پچ شیء در اطراف خودش می‌شود و آن پچ‌پچ را به کلمه تبدیل می‌کند.»^۲ میشل زرافا نیز معتقد است که نویسنده تار و پودی از واقعیت را برای خواننده پدید می‌آورد و به همین طریق است که واقعیت ساخته می‌شود؛ «واقعیتی که خواننده از آن مطلع است.»^۳ او همچنین نقش ادبیات را به نقش زبان نزدیک می‌داند، از آن حیث که رابطه میان اشیا را برقرار و روشن می‌سازد. می‌توان گفت که در رمان با بازآفرینی واقعیت روبرو می‌شویم؛ واقعیتی که به نظر پوسپیلوف «به طرز متشخص، گویا و پراحساس»^۴ نشان داده می‌شود. البته بازآفرینی کاملاً آگاهانه و از پیش تعیین‌شده نیست بلکه به خودی خود به وجود می‌آید.

1. Michel Butor, *Powiesc jako poszukiwanie*, Joanna Guze, 1st. ed., Warszawa, Czytelnik, 1971, p.37-38.

2. *Ibid.*, p.37.

3. میشل زرافا، *ادبیات داستانی، رمان، و واقعیت اجتماعی*، ترجمه نسرین پروینی، چاپ اول، تهران، فروغی، ۱۳۶۸، ص ۹۱.

4. Giennadij Pospielow, "Literatura i socjologia", in: Andrzej Mencwel (ed.), *W Kregu socjologii Literatury*, 2nd. ed. Warszawa, PIW, 1980, pp.112-136, p.123.

به نظر پوسپیلوف نویسنده در آفرینش واقعیت در اثرش تا حدودی آزاد و آگاه است، اما به گفته مصباحی‌پور ایرانیان «نویسنده که خود در درون ساخت‌های دربرگیرنده و جهت‌دهنده نفس‌های همگانی زندگی می‌کند و ساخت‌های ذهنی‌اش زیر اثر شیوه زندگی و فرهنگ میانه اجتماعی ویژه خود پرورش می‌یابد، هرگز نمی‌تواند از این نظام عام بگریزد... اثر او آینه دورنماها، هدف‌ها، ایدئولوژی‌ها و آرزوهای پاره‌ای از میانه‌های اجتماعی در دوره معینی از زندگی تاریخی آن‌هاست.»^۱ نظریه مذکور محصول سنت مارکسیستی در بررسی رابطه جامعه و ادبیات است که یکی از روش‌های رایج در جامعه‌شناسی ادبیات محسوب می‌شود. برخورد جامعه‌شناختی با ادبیات از این اعتقاد سرچشمه می‌گیرد که میان پدیده ادبی و واقعیت اجتماعی که این پدیده در آن به وجود می‌آید، رابطه‌ای قابل بررسی وجود دارد.^۲ این رابطه را محققان به شکل‌های گوناگونی تشریح کرده‌اند که در اینجا به بررسی آنها می‌پردازیم.

اولین کوشش‌ها برای توصیف رابطه واقعیت اجتماعی بیرون از متن ادبی با دنیای متن ادبی در دوره رنسانس دیده می‌شود. برخی از صاحب‌نظران در این دوران بر این باور بودند که ادبیات بازآفرینی منحصر به فرد زمانه‌ای است که در آن خلق می‌شود.^۳ انقلاب کبیر فرانسه این تفکر را دوباره احیا کرد و باعث شد تعامل و ارتباط متقابل جامعه و ادبیات بررسی شود. در آن زمان بود که لوئیس دو بونلند گفت: «ادبیات بروز جامعه است همان‌گونه که زبان بروز انسان است.»^۴ همچنین در همان دوران بود که کتاب مادام دو استال درباره اوضاع تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی حاکم بر شکل‌گیری اثر ادبی منتشر شد.^۵ با وجود این اولین

۱. جمشید مصباحی‌پور ایرانیان، *واقعیت اجتماعی و جهان داستان*، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۲۳۹.

2. M.H. Abrams, op. cit., p.288.

3. Harry Levin, "Literatura jako instytucja", in: Andrzej Mencwel, op. cit., p.45.

4. Ibid.

۵. همان، نیز رک لوسین گلدمن، «جامعه‌شناسی ادبیات»، در: *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۷، ص ۶۶.

تئوری «علمی» و دقیق دربارهٔ برخورد جامعه‌شناختی با ادبیات محصول پوزیتیویسم علمی است. ایپولیت تن در *تاریخ ادبیات انگلیسی* (۱۸۶۳) معتقد است که اثر ادبی تحت تأثیر شرایط زندگی آفرینندهٔ آن پدید می‌آید. او عوامل سه‌گانهٔ نژاد، محیط و زمان را در فرایند خلق ادبیات مؤثر می‌داند و آثار ادبی را با توجه به این سه عامل ارزیابی می‌کند. روش ایپولیت تن که در بررسی اثر ادبی نویسنده‌محور است با روش‌های جدید نقد ادبی که متن‌محورند در تضاد آشکار است و برای بررسی عمیق اثر ادبی چندان جامع و کارآمد نیست. محققان بعدی از نظریهٔ ایپولیت تن بهره برده‌اند اما در عین حال بررسی جامعه‌شناختی اثر ادبی را ظریف‌تر و دقیق‌تر ساخته‌اند. آنها با احتیاط بیشتری به بررسی می‌پردازند و به دنبال نتایج قانع‌کننده‌تری هستند. «اثر ادبی بیش از هر چیز در سنت زبانی و ادبی جا می‌گیرد و سنت نیز به نوبهٔ خود محاط در «اقلیم» فرهنگ عمومی است و با اوضاع عینی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ارتباطش با واسطه‌تر است. البته تمام قلمروهای فعالیت بشری با یکدیگر در ارتباطند. در نهایت امر می‌توان بین وجوه تولید و ادبیات نوعی ارتباط برقرار کرد.»^۱ این ارتباط به قول ولک «با واسطه‌تر» از تصور ایپولیت تن است و محقق نه تنها باید به رابطهٔ اثر ادبی و نویسنده بپردازد بلکه باید سعی کند رابطهٔ دوجانبه و متقابل میان اثر ادبی و واقعیت اجتماعی را بررسی کند؛ زیرا «ادبیات نه تنها از عوامل اجتماعی تأثیر می‌پذیرد بلکه موجب اثرات اجتماعی نیز می‌گردد. ادبیات هم محصول فرهنگ است و هم شکل‌دهندهٔ آن.»^۲

هری لوین ادبیات را در حکم نهاد اجتماعی می‌بیند. «مانند نهادهای دیگر اجتماعی، نظیر کلیسا یا قانون، ادبیات نیز محدودهٔ خاصی از تجربهٔ آدمی را به خود اختصاص می‌دهد و بر بخشی از اوضاع و قواعد

۱. رنه ولک و آستین وارن، *نظریهٔ ادبیات*، ترجمهٔ ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۳.

۲. والتر کی. گوردن، «درآمدی بر نقد ادبی از دیدگاه جامعه‌شناختی»، ترجمهٔ جلال سخنور، ادبستان، شمارهٔ ۱۱، سال دوم (۱۳۸۰)، صص ۳۷-۳۹، ص ۳۸.